

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلٰوةُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سر الصلاة امام خمینی قدس سره ۸

امام خمینی ره می فرماید انسان کامل در دو بعد دنیوی و اخروی خود، حقیقت لیلۃ القدر و حقیقت روز قیامت است؛ یکی در وقتی که با حجاب و به چهره موجودات قدسی ظهور می کند و دیگری در وقتی که از لباس تعینات و از پشت چهره محدود دیگر موجودات قدسی و نورانی خارج شده به چهره حقیقی خود ظاهر می شود. این دو چهره از حقیقت انسان همان روز و شب الوهی (الهی) محسوب می شوند: تعبیر امام راحل ره چنین است:

« و یکی از این دو (اشاره به مقام شهادت و غیب یا همان مقام دنیا و آخرت) حقیقت لیلۃ القدر و سرّ آن است؛ چه که شمس حقیقت در حجاب تعینات است. و دیگر حقیقت یوم القیمۃ است؛ چه که بروز و طلوع آن است از حجاب آنها. و این، شبانه روز الوهی است. »

شرح: بنا بر قاعده سنخیت، اولین تجلی خداوند، اول مخلوق یا صادر اول یا کون جامع، همان انسان کامل است که در عرفان اسلامی از آن به «حضرت احدیت» یا «فیض اقدس» یاد می شود. [حق و خلق در نظام هستی به شش تعبیر بیان می شود. سه تعبیر برای حق تعالی است که اولی «حضرت غیب هویت» دومی «حضرت احدیت» و سومی «حضرت الوهیت» نامیده می شود و خلق نیز که تجلی اسماء الله است، سه حضرت دارد؛ اولی «حضرت ارواح و عقول» و دومی «حضرت مثال یا خیال» و سومی «حضرت اجسام و اجساد» نام دارد.] امام خمینی قدس سره در معرفی تجلی اول می فرماید: «خدا یکی است و یک تجلی کرده؛ اما آن تجلی، همه مراتب را در جریان و ظهور خود دارد. او سریان وجود الهی است و با همه اشیاء هست. اما این کثرت اعتباری به بساطت و وحدتش آسیب نمی زند، بلکه انتشار نورش است.» (شرح دعای سحر، ص ۱۴۲). در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ» (زیارت جامعه). «و نام هایتان (نشانه هایتان) در نام ها، و تن هایتان در تن ها، و ارواحتان در ارواح، و جان هایتان در جان ها، و آثارتان در آثار، و قبر هایتان در قبرهاست».

ذات او معنی روح مصطفی است

عقل اول سایه نور خداست

هست تا این حد یکی زین عقلها

مرجع جان های هر یک زانیا

انسان حقیقت لیلۃ القدر:

از جمله ویژگی‌های انسان کامل این است که: تمام اسماء الله « به نحو اجمال » در او وجود دارند، محل نزول قرآن، معلم ملائکه، ظرف مشیت‌اللهی و حقیقت شب قدر است؛ چرا که شب قدر، ظرف نزول یکباره و دفعی قرآن، و تقدیر امور و نزول ملائکه و روح می‌باشد. به امام باقر عرض شد؛ شما شب قدر را می‌شناسید؟ فرمود: **وَكَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَالْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِهَا فِيهَا؛** (تفسیر قمی ۴۳۱/۲) چگونه شب قدر را نشناسیم در حالی که فرشتگان در آن شب بر گرد ما می‌چرخند؟! در سوره النحل می‌فرماید: **«يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»** فرشتگان را با روح به فرمان خویش، بر هر کس از بندگان که بخواهد، نازل می‌کند (النحل/ ۲)

آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند آيا شود که گوشه چشمی بما کنند

از امام باقر وارد شده است که فرمودند: **« يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ، خَاصُّوا بِسُورَةِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» تَفَلُّجُوا»** (کافی: ۱/ ۲۴۹) « ای گروه شیعه! با سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مخاصمه و مجادله کنید تا چیره شوید. به خدا سوگند که این سوره، پس از پیامبر خدا، حجت خدا، متعال بر مردم است و این سوره، سرور آیین شما و نهایت دانش ماست». از مضارع بودن فعل «يُفَرِّقُ» در آیه «فِيهَا يُفَرِّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» - دخان/۴ و تَنَزَّلُ در آیه ۴ سوره قدر به خوبی استنباط می‌شود که شب قدر هر سال تکرار می‌شود؛ زیرا فعل مضارع دال بر استمرار است. بنابراین لازم است که اوصیای نبی خاتم صلوات الله علیه و علیهم در هر عصر و زمانی حضور داشته باشند.

رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمودند: **« آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِيهِ أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَلِكِ وُلاَهٌ مِنْ بَعْدِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ** (ارشاد مفید، ج ۲، ص ۴۸۰) « به شب قدر ایمان بیاورید که در آن شب، کارهای سال مقدر می‌شود و همانا برای خلافت پس از من علی بن ابی طالب و یازده تن از نسل او خواهند بود». حقیقت انسان کامل در مراتبی به ظهور می‌رسد که پایین‌ترین مرتبه آن ظرف زمانی شب قدری است که وقایع این شب در آن انجام می‌پذیرد. مرتبه اعلی آن، حقیقتی است که این حقایق را در وجود خود جای داده است یعنی انسان کاملی که مصداق آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌باشند. حضرت احدیت بالاترین مقام انسان کامل است.

ز احمد تا احد یک میم فرق است جهانی اندر این یک میم غرق است

و باید گفت آن «میم»، فقر ذاتی یا امکان وجودی جمیع ممکنات از جمله انسان کامل است؛ زیرا غنای ذاتی اختصاص به خدای یگانه دارد همانگونه که قرآن می‌فرماید: **« يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ،** (فاطر/ ۱۵) ای مردم، همه شما نیازمند به خدا هستید و تنها خداست که غنی و ستوده است». انسان

کامل کسی است که در عالم امکان، موجودی برتر از او نبوده، سایر موجودات برای او آفریده شده‌اند و اوست که منحصرأً غایت کمال و سبب ایجاد عالم است در حدیث قدسی آمده: «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۲، ۲۸۶؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۵۲؛ قندوزی، ینابع المودة، ج ۱، ص ۲۴). «هان ای احمد! اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم ...» و نیز در زیارت جامعه می‌خوانیم «يَكُمُ فَتَحَ اللَّهُ وَ يَكُمُ يَخْتَمُ» «خداوند متعال آفرینش خود را به وسیله و به سبب شما آغاز نمود و به وسیله شما پایان می‌دهد.»

با محمد بود عشق پاک، جفت بهر عشق او را خدا لولاک گفت گر نبودی بهر عشق پاک را کی وجودی دادمی افلاک را

نهایت کمالی که از ذات غیبی واجب تعالی، امکان ظهور در عالم ممکنات را دارد؛ مقام انسان کامل، مظهر احدیت حق تعالی، بالاترین مقام خلیفه الهی است؛

از این جهت امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «اللَّيْلَةُ قَاطِمَةٌ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ قَاطِمَةً حَقَّ مَعْرِفَتَهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ قَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» (بحار ج ۳۴ ص ۹۱) منظور از «لیله» در سورة قدر، فاطمه و منظور از قدر، الله است، پس هر کسی فاطمه را شناخت، آن گونه که سزاوار شناختن است، به درستی که شب قدر را درک کرده است و غیر از این نیست که فاطمه، فاطمه نامیده شد، به خاطر اینکه خلق از شناخت و معرفت او جدا شده‌اند.»

در این خصوص امام خمینی می‌فرماید: «باطن «لیلة القدر» بنیه و صورت مُلکی یا عین ثابت محمدی (ص) است که جلوة اسم اعظم و تجلی احدی جمعی است. اگر «لیلة القدر» اشاره به مظهر اسم اعظم باشد، مرآت تام محمدی (ص) است و «هزار ماه» عبارت است از مظهر نام های دیگر؛ و چون حق تعالی هزار و یک نام دارد و یک «اسم مستأثر» در علم غیب است، از این جهت «لیلة القدر» نیز مستأثر است و شب قدر بنیه محمدی نیز اسم مستأثر می باشد. بدین سبب، هیچ موجودی به جز ذات مقدس رسول اکرم (ص) بر اسم مستأثر اطلاع پیدا نمی کند (آداب الصلاة، ص ۳۳۵-۳۳۸) فرشتگان در شب قدر مقدرات یک سال را نزد «ولی مطلق و انسان کامل زمان» می‌آورند و بر او عرضه می‌کنند. این واقعیت از نخستین روز خلقت بوده و بر نخستین پیامبر و وصی او نازل می شده و تا قیام قیامت ادامه دارد. زیرا زمین از نخستین روز آفرینش تا برپایی قیامت بی حجت نخواهد بود و خداوند در شب قدر، مقدرات امور عالم را به وسیله ملائکه و روح که اعظم ملائکه است نزد آن حجت بر زمین (خواه پیامبر باشد و خواه وصی او) می‌فرستد.

ای نسخه نامه الهی که تویی وی آئینه جمال شاهی که تویی

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

انسان حقیقت یوم القيمة:

حقیقت انسان کامل که از آن به «حقیقت محمدیه» تعبیر می شود، حقیقتی بسیط و روحانی است که با وحدت خود، همه جمال و جلالی است که در عالم امکان می تواند به ظهور برسد؛ البته حقیقت انسان کامل، پیوسته در عروج و تعالی است و لحظه ای در کمال خود که کمال همه هستی را در بر دارد، متوقف نیست؛ خداوند با خلقت این حقیقت واحد، هر آنچه را که قلم تقدیرش می خواست تقدیر نمود؛ پس در نهایت، معاد همه عوالم و آفریده ها نیز به سوی انسان کامل است: «إِيَّاكَ الْخَلْقُ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ» (زیارت جامعه). بازگشت مردم [در قیامت] ، به سوی شماست و رسیدگی به [پرونده آنان] ، بر عهده شماست.

سخن گهربار حضرت علی (ع) است که فرمود: «نُورٌ يَشْرُقُ مِنْ صُحْبِ الْأَزَلِّ، فَتُلَوِّحُ عَلَى هَيْكَلِ التَّوْحِيدِ آثَارُهُ.» (أسماء الحسنی ، ملا هادی سبزواری، ص ۱۳۱) به حقیقت، نوری است که اشراق می کند- یعنی ظهور پیدا می نماید از طرف صبح ازل که عبارت است از ذات مطلقه. - پس ظهور می کند بر تمام مظاهر وجود به آثارش (افعالش و کمالاتش و خصوصیاتش).

و مظهر اسماء و صفات حق و آیینۀ جمال نمای اوست و وحدت او، وحدت جمعی است. آن حقیقت کامل، جمیع کمالاتی را که موجودات دارند داراست، بعلاوة کمالاتی که آنها فاقد آن هستند. (مرحوم امام خمینی در مورد مرتبة کمالی رسول اکرم (ص) و اهل بیت مطهرش (ع) به حدیث مفصلی از حضرت ختمی مرتبت (ص) استناد فرموده است (مصباح الهدایة الى الخلافة و الولاية. ص ۱۶۶ - ۱۶۴))

ادامه دارد